



کھیت و پھل : مہدی رحیمی



«به نام خدا»

اشخاص داستان : جوچی اول (جیک جیکی)، جوچی

دوم (پرطلایی)، جوچی سوم (کاکلی)

روزی جیک جیکی و پرطلایی داشتند با هم صحبت می کردند :

جیک جیکی : «کجائی و سلاسی لک» و پرطلایی هم جواب او را

داد : «بعد از حال و احوال کردن جیک جیکی دید که کاکلی

مریض شده و افتاده روی زمین بعد با اسرس و قفس زنان

رو به پرطلایی گفت : «اعتقد انه مریض» «آریه ان لهنال

اماء بالبرید» «بعد جیک جیکی نزدند به طرف برکه رفت و یک

کاسه آب آورد آب را روی کاکلی ریخت کاکلی به هوش آمد و به

جیک جیکی گفت که یک گربه دیده جیک جیکی گفت : «پرطلایی الم

تلا خطه» «پرطلایی گفت که من ندیده ام و جیک جیکی هم

گفت که ندیده بعد هم با جیک کردن اطراف خود کاکلی بلند

شده و از جیک جیکی تشکر کرد که او را به هوش آورده است .







